

# کتیبه‌شناسی: کتیبه‌های عربی در ایران

چکیده<sup>[۱]</sup>

کتیبه‌نویسی در اصطلاح خوشنویسی از نخستین سده‌های دوره‌ی اسلامی رایج شد. در اوایل ایران دوره‌ی اسلامی، همانند

مترجم: دلارام کاردار طهران

دانشجوی کارشناسی‌ارشد ایران‌شناسی، گرایش اصول نسخه‌شناسی و مرمت نسخه‌های خطی و کتاب‌آرایی، دانشگاه شهیدبهبشتی

سایر کشورها، زبان عربی زبان پایه جهت نگارش متون منشور و مذهبی در ابنیه و اشیاء بوده است. نشانه‌های به کار رفته بر روی قبور ایرانی در صدر اسلام نیز به زبان عربی کتابت شده بودند. قاعده‌ی کلی جهت ساختار متون کتیبه‌ها در مساجد، آرامگاه‌ها، مناره‌ها و سازه‌های شهری مانند دیوارها، پل‌ها و آب‌انبارها شامل: بسم الله، فعل (عموماً امر ببناه‌ها که به معنای "دستور داده شد تا ساخته شود" است)، اشاراتی به بنا، نام و عناوین حامی و پشتیبان، تاریخ و نام هنرمند است. علاوه بر کتیبه‌های تاریخی، کتیبه‌های مذهبی و دینی از جمله آیات قرآنی، احادیث، اشعار، ادعیه و عبارات پرهیزکارانه نیز به زبان عربی بودند. برخی از متون قرآنی در تمام ادوار تاریخی در انواع ابنیه استفاده می‌شده و محبوب بوده است. سپس احادیث نیز محبوب شدند. اکثر احادیث به این دلیل انتخاب می‌شدند که با کاربرد ساختمان‌ها مناسب‌تر بودند و اغلب بر اساس تعصبات مذهبی بر روی کتیبه‌ها نگارش می‌شدند و باروی کار آمدن فرقه‌ی بعدی، در متن کتیبه‌ها تغییراتی ایجاد می‌شد. اشعار

۱- این مقاله با عنوان iii: S Sheila by Persia in inscriptions Arabic Blair. Epigraphy تألیف خانم شیلابلر در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۸ در دایرةالمعارف ایرانیکا به چاپ رسیده است.

مذهبی عربی نیز در کتیبه‌های بناهای ایرانی استفاده می‌شدند.

در قرون اولیه اسلامی، کتیبه‌های

ابنیه با خط زاویه‌دار کوفی در دنیای اسلام نگارش می‌شدند. در آغاز قرن چهارم هجری قمری/دهم میلادی این خط ساده به شیوه‌های مختلف و با نقش و نگارهای متفاوت نگارش شد. جابه‌جایی از خط زاویه‌دار به خط منحنی در نگارش کتیبه‌ها در ابنیه را می‌توان پیش از قرن ششم هجری قمری/دوازدهم میلادی مشاهده کرد. مشهورترین خط منحنی جهت کتیبه‌نگاری در قرون بعدی خط ثلث بود.

مقدمه

کتیبه‌نویسی در اصطلاح خوشنویسی از نخستین سده‌های دوره‌ی اسلامی رایج شد. در اوایل ایران دوره‌ی اسلامی، همانند سایر کشورها، زبان عربی زبان پایه جهت نگارش متون منشور و مذهبی در ابنیه و اشیاء بوده است. در صدر اسلام این نوشتارها معمولاً با خطی زاویه‌دار که به خط کوفی مشهور است، نگارش می‌شده‌اند. از قرن ۶ هجری قمری/۱۲ میلادی، کتیبه‌نگاری به زبان فارسی، به خصوص جهت نگارش متون ادبی و منظوم، رایج‌تر و خطوط منحنی جایگزین خطوط زاویه‌دار شد.



## کتیبه‌نگاری در ابنیه

اگرچه استفاده از خط پهلوی تا سده‌ی ۶ هجری قمری / ۱۲ میلادی در کتیبه‌های مناطق دور افتاده‌ی کرانه‌ی دریای مازندران، از جمله برج لاجیم در استان مازندران (کُتب، سُواژ، ویه، ۱۹۳۱: شماره‌ی ۲۳۳۱؛ بلر: ۱۹۹۲، شماره‌ی ۳۲) ادامه داشت، متون منشور در بناهای دوره‌ی اسلامی عموماً به زبان عربی بودند. زبان فارسی برای نخستین مرتبه در کتیبه‌های یادبود که نسبت به متون منشور از رسمیت کمتری برخوردار بودند، ظاهر شد. نخستین متن منشور به زبان فارسی متعلق به آرامگاه ایلخانی در سفیدبلند دره‌ی فرگانادر ازبکستان متعلق به ۴۴۷-۵۱ هجری قمری / ۱۰۵۵-۶۰ میلادی است (بلر، ۱۹۹۲، شماره‌ی ۴۷). در اواخر قرن پنجم هجری قمری / یازدهم میلادی، اشعار فارسی در بناهایی از قبیل رباط ملک در شمال شرقی بخارا متعلق به ۴۷۱ هجری قمری / ۱۰۷۸ و قصر مسعود غزنوی سوم در غزنه‌ی افغانستان متعلق به ۵۰۵ هجری قمری / ۱۱۱۱ میلادی به کار رفته‌اند. با این وجود، کاربرد زبان عربی جهت چنین متونی به صورت معمول در ایران تا دوره‌ی قاجار ادامه داشت.

گسترش کامل سنت نوشتار به زبان عربی در کتیبه‌های بناهای یادبود ایرانی را تنها می‌توان از نیمه‌ی سده‌ی قرن ۴ هجری قمری / ۱۰ میلادی اثبات نمود (بلر، ۱۹۹۲: مقدمه). نمونه‌های پیشین در ایران به دلیل استفاده از مصالح ناپایدار به ندرت باقی مانده‌اند. براساس اظهارات مورخان معاصر، نخستین کتیبه‌های خلفای عباسی در بناهای ایرانی همانند کتیبه‌های سایر مناطق هستند. به عنوان مثال، کتیبه‌ی المنصور (۱۳۶ تا ۱۵۸ هجری قمری / ۷۵۴ تا ۷۷۵ میلادی) بر روی خزانه‌ای در آذربایجان که توسط ابوعبدالله محمد جهشیاری مورخ قرن چهارم هجری قمری / دهم میلادی ثبت شده است، با کتیبه‌های معاصر در بیت الله الحرام که به جهت بزرگداشت و توسعه‌ی آن توسط همان خلیفه و جانشینش المهدی تعمیر و بازسازی شده‌اند، قابل مقایسه است (کُتب، سُواژ، ویه، ۱۹۳۱: صص ۴۸، ۴۰، ۵۲). کتیبه‌های قرون سوم و چهارم هجری قمری / نهم و دهم میلادی که در قفقاز و توسط نیکلای خانیکف خاورشناس ثبت شده‌اند نیز شبیه به هم بودند. نشانه‌های به کار رفته بر روی قبور ایرانی در صدر اسلام نیز به زبان عربی کتابت شده بودند. نمونه‌ی اولیه‌ی شناخته شده، سنگ مزاربست که در امامزاده جعفر دامغان کشف شده و متعلق به یکی از نوادگان شیعه‌ی زیدیه است (ادل، ۱۹۸۴: صص ۲۹۲-۹۷). تعداد اندکی سنگ قبر تاج‌دار از منطقه‌ی سیراف در خلیج فارس کشف شده‌اند که متعلق به قرن چهارم هجری / دهم میلادی هستند و از سوی دیگر مجموعه‌ای از سنگ قبرهای عمودی با کتیبه‌های عربی در ناحیه‌ی یزد پیدا شده‌اند که متعلق به قرن پنجم هجری قمری / یازدهم میلادی هستند (لووک، ۱۹۸۵: صص ۷۹-۱۱۵؛ افشار، ۱۹۶۹: صص ۹۰-۱۶).

در صد و پنجاه سال بعدی، حدود هفتاد و پنج کتیبه به جا مانده که مساجد، آرامگاه‌ها، مناره‌ها و سازه‌های شهری مانند دیوارها، پل‌ها و آب‌انبارها را مزین کرده‌اند. قاعده‌ی کلی جهت ساختار متون این کتیبه‌ها شامل: بسم الله، فعل (عموماً امر پنهان که به معنای "دستور داده شد تا ساخته شود" است)، اشاراتی به بنا (اغلب شامل یک ضمیر است)، نام و عناوین حامی و پشتیبان، تاریخ و نام هنرمند است. صفاتی در

جهت توصیف ساخت بنا به ندرت استفاده می‌شدند اگرچه کتیبه‌ی گنبد قابوس که به دستور قابوس بن وشمگیر در سال ۳۹۷ هجری قمری / ۱۰۰۶ میلادی ساخته شده، به دلیل موزون ساختن متن کتیبه از این قاعده مستثناست (کُتب، سُواژ، ویه، ۱۹۳۱: شماره‌ی ۲۱۱۸؛ بلر، ۱۹۹۲: شماره‌ی ۱۹). همانند سایر نقاط جهان اسلام، در طول تاریخ، فهرست عناوین حامیان گسترش یافت و طولانی‌تر شد. حامیان، که گاهی مونث نیز بودند، اسامی سلسله‌های کوچکی از جمله حسنونند، آل کاکوبه، آل باوند، زیاریان، خوارزمشاهیان، علویان، شادادیان، قراخانیان و غیره را که در ایران و ماوراءالنهر قرن پنجم و ششم هجری قمری شکوفا شده بودند، نمایش می‌دادند. رقم (امضا) هنرمندان نیز به زبان عربی بود. علاوه بر سازندگان مانند شخصی که آرامگاه پیر علمدار در دامغان را امضاء کرده است، متخصصان دیگر همانند منبت کار ستون‌های مسجدی در کیوا و یا آهنگران دروازه‌های یزد و گنجه نیز رقم خود را بر روی آثارشان در ابنیه به جامی گذاشتند. قالب معمول جهت رقم "عمل" بوده است.

در کتیبه‌های قرن ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی به بعد، استاندارد می‌شده نمی‌شود اما کتابی با عنوان "فهرست تاریخی کتیبه‌شناسی عرب" (تألیف کُتب، سُواژ و ویه) در هفده جلد، کتیبه‌ها را تا تاریخ ۷۸۳ هجری قمری / ۱۳۸۱ میلادی به همراه فهرست جغرافیایی‌شان پوشش داده است. سایر کتیبه‌های ایران را می‌توان در کتاب‌هایی مخصوص شهرها و استان‌های مختلف، مانند کتاب لطف‌الله هنرفر درباره‌ی اصفهان و ایرج افشار درباره‌ی یزد، که توسط انجمن آثار ملی به چاپ رسیده‌اند، مشاهده نمود. بدین طریق روند عمومی در کتیبه‌ها مشخص است. ساختار اصلی همانند نمونه‌های قبل‌تر باقی ماندند اما متون طولانی‌تر و پرتزین‌تر شدند. القاب حامیان پر زرق و برق‌تر شده و صفات و استعاره‌های بیشتری به کار رفتند. به عنوان مثال در کتیبه‌های منشور در مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان، شاه‌عباس اول با عنوان "بزرگترین سلطان، بخشنده‌ترین پادشاه، احیاءکننده‌ی تقوا و پرهیزکاری پدرانش، مروج دین امامان بری از خطا، ابوالمظفر عباس الحسینی الموسوی الصفوی، بهادر خان، که خداوند متعال پادشاهی‌اش را جاودانه نماید و کشتی‌هایش در دریای جاودانگی حرکت نمایند" (السلطان الاعظم والخاقان الاکرم...) خوانده شده است (هنرفر، ۱۳۷۲: ۴۰۲).

علاوه بر کتیبه‌های تاریخی، کتیبه‌های مذهبی و دینی از جمله آیات قرآنی، احادیث، اشعار، ادعیه و عبارات پرهیزکارانه نیز به زبان عربی بودند. برخی از متون قرآنی همانند آیه‌الکرسی (آیه‌ی ۲۲۵ از سوره‌ی بقره، دومین سوره‌ی قرآن کریم) که در ستایش اسلام است، در تمام ادوار تاریخی در انواع ابنیه استفاده می‌شده و محبوب بوده است. آیات دیگری همانند آیه‌ی ۱۸ از سوره‌ی توبه: *إِنَّمَا يَغْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ* (مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده‌اند) و آیات ۲۶ و ۲۷ از سوره‌ی الرحمن: *كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ* (هر چه بر زمین است فانی شونده است و ذات





تصویر شماره ۱: جزئیات کتیبه‌ی محراب مدرسه‌ی امامیه

شدند. به عنوان مثال، در مسجد شیخ لطف الله اصفهان، احادیث بسیاری به خط ثلث در پایه‌ی گنبد توسط خوشنویس برجسته علیرضا عباسی نوشته شده‌اند. متن کتیبه با حدیثی قدسی آغاز می‌شود و سپس دو دسته عبارت به دنبال آن‌ها می‌آید. گروه اول عباراتی است درباره‌ی اعمال مناسب جهت ورود به مسجد و گروه دوم مربوط به اهل بیت و امام جعفر صادق هستند (هنرفر، ۱۳۷۲: ۴۰۷-۱۰).

شعار مذهبی عربی نیز در کتیبه‌های بناهای ایرانی استفاده می‌شدند. تعدادی از طاقچه‌های مستور داخلی در آرامگاه شاه احمد قاسم خارج از شهر کاشان، که به "در بهشت" معروف است، با ابیاتی در ستایش و تمجید از بازماندگان مرحوم علی ابن جعفر است (مدرسی طباطبایی، ۱۹۷۶: ۴۴). اشعار ایرانی در قرن نهم هجری قمری / پانزدهم میلادی نیز رایج بودند اما در دوران صفویه، بار دیگر اشعار عربی رو کار آمدند. مسجد شیخ لطف الله در اصفهان نمونه‌ای بارز است که در طاق‌های شمالی و جنوبی داخلی آن، شعری با امضای باقر، سازنده‌ی آن مشاهده می‌شود که از چهارده معصوم برای شیخ لطف الله درخواست شفاعت می‌کند (تصویر شماره ۲).

در تمام ادوار، عبارات پرهیزکارانه در کتیبه‌ها به زبان عربی در محراب‌ها نیز رایج بودند از جمله الله اکبر، اسماء الحسنی و اسامی افراد محترم از قبیل چهار خلیفه و یا چهارده معصوم. کتیبه‌ی "صلوات بر محمد و خاندانش" که بر روی برآمدگی بالای محراب مسجد جامع نایین کتابت شده است، نشانگر آن است که پشتیبان آن شیعه بوده است (بلر، ۱۹۹۲: شماره ۹).

در قرون اولیه اسلامی، کتیبه‌های ابنیه با خطی زاویه‌دار در دنیای اسلام نگارش می‌شدند. در آغاز قرن چهارم هجری قمری / دهم میلادی این خط

باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند) مختص و مناسبتر با کاربرد بناهایی مانند مسجد و آرامگاه هستند. بعضی اوقات قطعات مخصوصی جایز بودند تا به عنوان نام موسس و بنیانگذار به کار روند، به عنوان مثال آیه‌ی ۱۷ از سوره‌ی الاسراء: عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند) برای حامیانی که نامشان محمود بود، مورد توجه قرار می‌گرفت از جمله شاه محمود فرمانروای مظفریان که مدرسه‌ی امامیه یا بابا قاسم در اصفهان را در ۷۵۵ هجری قمری / ۱۳۵۴ میلادی بازسازی نمود (هنرفر، ۱۳۷۲: ۳۹) (تصویر شماره ۱).

به زودی احادیث محبوب شدند، شاید به این دلیل که از نقل قول‌های قرآنی سازگارتر بودند. اکثر احادیث به این دلیل انتخاب می‌شدند که با کاربرد ساختمان‌ها مناسب‌تر بودند. در کتیبه‌های مقبره‌ی تومان آغا یکی از همسران تیمور، در آرامگاه شاه زند سمرقند متعلق به ۸۰۸ هجری قمری / ۱۴۰۴-۵ میلادی، نوشته شده است: المَوْتُ بَابٌ وَكُلُّ النَّاسِ دَاخِلُهُ (مرگ دریست که همه از آن عبور می‌کنند) و همچنین عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ قَبْلَ الْفَوْتِ ، وَعَجَلُوا بِالتَّوْبَةِ قَبْلَ الْمَوْتِ (بشتابید به سوی نماز قبل از مرگ و بشتابید به سوی توبه قبل از مرگ) (گولومبیک، ویلبر، ۱۹۸۸: ۲۴۹).

اغلب احادیث براساس تعصبات مذهبی بر روی کتیبه‌ها نگارش می‌شدند و با روی کار آمدن فرقه‌ی بعدی، در متن کتیبه‌ها تغییراتی ایجاد می‌شد. محرابی که در تاریخ ۷۱۰ هجری قمری / ۱۳۱۰ میلادی پس از سلطان الجایتو به مسجد جامع اصفهان افزوده شده بود، تبدیل به محرابی برای شیعیان و با حدیثی منسوب به امام علی ابن ابیطالب مزین شد (هنرفر، ۱۳۷۲: ۱۲۰). احادیث در دوره‌ی صفوی بسیار محبوب







تصویر شماره ۲: کتیبه‌های داخلی مسجد شیخ لطف‌الله

حرف کاف نوشته‌ها، کوفی مشبک مشاهده می‌شود (بیلر، ۱۹۹۲: شماره ۲۳). خواندن نوشته‌ها به خط کوفی مشبک دشوار بود، از این رو در نگارش متونی به کار می‌رفت که مشهور بودند مانند آیات قرآنی در سنگ قبرهای تاج‌دار، در مسجد اردستان و یا منار ترمذ متعلق به ۴۲۳ هجری قمری / ۱۰۳۱-۳۲ میلادی (بیلر، ۱۹۹۲: شماره ۳۸). تدریجاً به جهت افزایش خوانایی، تزیینات به بخش‌های بالایی کتیبه‌ها منتقل شدند در نتیجه بخش فوقانی حروف به جای بدنه، در هم تنیده شدند. این نوع نگارش در دو کتیبه‌ی منشور در برج رادکان، واقع در رشته کوه‌های البرز در شهر ساری، به کار رفته است. یکی کتیبه‌ی گچی در بالای در ورودی و دیگری در نوار اطراف سقف. در هر دو کتیبه، نام ابو جعفر محمد فرمانروای آل باوندی، به عنوان حامی، آمده است (فلوری، ۱۹۲۰: ۲۳۵-۳۲۸).

باتوجه به محدودیت بخش فوقانی به جهت تزیینات زیاد، کتیبه‌ها همچنان آشفته و درهم ریخته بودند. به جهت کاهش آشفتگی و افزایش خوانایی، تزیینات را گسترش داده و از متن کتیبه‌ها جدا کردند در نتیجه تناسب و تعادل میان بخش تحتانی و فوقانی اثر رعایت شد.

سپس مشبک‌های پرکار جای خود را به تزیینات گلدار بخشید. نمونه‌ی باشکوه "کوفی حاشیه‌دار" در کتیبه‌های منشور را می‌توان به همراه نام پشتیبان مادیش، نظام الملک وزیر سلجوقی، در مدرسه‌ی خرگرد (۴۶۵-۷۰ هجری قمری / ۱۰۷۲-۷۷ میلادی) در خراسان یافت (کُتب، سُوَاز و ویه، ۱۹۳۱: شماره ۲۷۸۹؛ بیلر، ۱۹۹۲: شماره ۵۷). هرزفلد در کتابش این اثر را "شاهکار کتیبه‌نویسی کوفی در ایران" معرفی می‌کند. کتیبه‌های گچی در سه بخش از این بنا به کار رفته است (تصویر شماره ۳).

ساده به شیوه‌های مختلف و با نقش و نگارهای متفاوت نگارش شد. یکی از این روش‌های ساده، "کوفی برگ‌دار" (مورق) بود که رأس حروف به شکل برگ درمی‌آمد. یکی از نمونه‌های بارز این نمونه، سنگ سردر مقبره‌ی سامانی در بخارا است (بولاتف، ۱۹۷۶: ۹؛ بیلر، ۱۹۹۲: شماره ۴). این خط پرورش یافت و خط "کوفی گل‌دار" (مزه‌ر) حاصل شد. بدین صورت که موتیف‌های گل از حروف و فضاهای خالی بین آن‌ها جوانه می‌زدند، همانند کتیبه‌ی منشور در آرامگاه تیم، در دشت زرافشان ازبکستان. نمونه‌ی باشکوه این نوع خط را می‌توان در کتیبه‌های داخلی امامزاده یحیی بن زید در سرپُل، استان ترکستان، در شمال افغانستان مشاهده کرد (بیوار، ۱۹۶۶؛ بیلر، ۱۹۹۲: شماره ۷۵).

هر دو نوع خط کوفی برگ‌دار و گل‌دار در غرب جهان اسلام به خصوص بخش‌های مربوط به فاطمیون (از سال ۳۵۸ تا ۵۶۷ هجری قمری / ۹۶۹ تا ۱۱۷۱ میلادی)، رایج بودند به عنوان مثال: ابنیه‌ی تاریخی در کایرو، الازهر و مسجد الاحکم. نمونه‌ی دیگری از خط کوفی که به نظر می‌رسد زادگاهش در شرق جهان اسلام باشد، "کوفی مشبک" است که بدنه‌ی حروف در هم تنیده شده‌اند. یک قبر تاج‌دار در سیراف متعلق به ۳۶۴ هجری قمری / ۹۷۵ میلادی، دارای یک حرف مشبک (کاف در رحمتک) است اما قبر دیگری که متعلق به کمتر از دودهمه‌ی بعد است (۳۸۳ هجری قمری / ۹۹۳ میلادی) دارای شبکه‌های وسیع و زیاد است. کوفی مشبک در کتیبه‌های معماری نیز به کار رفته‌اند. یکی از اولین نمونه‌های باقی‌مانده در مسجد اردستان یافت می‌شود. با وجود اینکه این بنا به طور گسترده‌ای در سال‌های ۵۵۳ تا ۵۵ هجری قمری / ۱۱۵۸ تا ۶۰ میلادی (کُتب، سُوَاز، ویه) بازسازی شده است، اما در گذرگاه طاق دار بخش جنوبی، در





تصویر شماره ۲: جزئیات کتیبه‌ی مدرسه‌ی غیاثیه‌ی خرگرد



تصویر شماره ۵: کتیبه‌ی گچی محراب اولجایتو





شده بر روی گچ در بخش داخلی مقبره‌ی اولجایتو در سلطانیه است (یلر، ۱۹۸۷، صص ۴۳-۹۶) (تصویر شماره ۵).

از رنگ جهت تأکید بر پیام الهی بهره می‌بردند بدین صورت که نام پشتیبان اثر را اغلب با رنگ زرد بر روی زمینه‌ی آبی لعاب‌دار که کتیبه با رنگ سفید بر روی آن نگارش شده بود، رنگ آمیزی می‌کردند. یک نمونه‌ی قدیمی متعلق به ۸۵۱ هجری قمری / ۱۴۴۷ میلادی که در شبستان زمستانی مسجد جامع اصفهان است، نام حاکم، سلطان محمد نوه‌ی شاهرخ، بر روی زمینه‌ی اخراپی به کار رفته است (هنرفر، ۱۳۷۶، صص ۱۲۲-۱۲۳).

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان اظهار داشت که زبان عربی در ایران از صدر اسلام تا دوره‌ی قاجار، زبان رایج جهت نگارش کتیبه‌ها در ابنیه‌ی تاریخی از جمله مساجد، آرامگاه‌ها، مناره‌ها و سازه‌های شهری مانند دیوارها، پل‌ها و آب‌انبارها و همچنین سنگ قبرها نیز بوده است. موضوعات این کتیبه‌ها شامل متون منثور، منظوم، عبارات قرآنی، احادیث و عبارات پرهیزکارانه بوده است. لازم به ذکر است که در کتیبه‌ها، زبان فارسی نیز به کار رفته است اما به طور محدود.

از سوی دیگر، در قرون اولیه اسلامی، کتیبه‌های ابنیه با خط زاویه دار کوفی نگارش می‌شدند. در آغاز قرن چهارم هجری قمری / دهم میلادی این خط ساده به شیوه‌های مختلف و با نقش و نگارهای متفاوت نگارش شد. جابه‌جایی از خط زاویه‌دار به خط منحنی در نگارش کتیبه‌ها در ابنیه را می‌توان پیش از قرن ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی مشاهده کرد. مشهورترین خط منحنی جهت کتیبه نگاری در قرون بعدی خط ثلث بود. ■

### کتابشناسی

- ۱- ابو عبدالله محمد، جهشیاری (۱۹۳۸)، کتاب الوزرا و الکتب، کایرو
- ۲- اادل، سی (۱۹۸۴)، تحقیقات باستان‌شناسی در کومش قرون وسطی در ایران. گزارش ابتدایی سال‌های ۱۹۸۲-۸۳، جلسات آکادمی کفایت و ادبیات.
- ۳- افشار، ای (۱۹۷۵)، یادگارهای یزد، انجمن آثار ملی، تهران.
- ۴- بلر، اس؛ بلوم، جی؛ واردول، ای (۱۹۹۲)، سالیانی مجدد ابریشم‌های آل بویه به وسیله کتیبه‌شناسی و تجزیه‌ی تحلیل کربن ۱۴، آراس شرق‌شناسی، شماره ۲۲.
- ۵- بلر، اس (۱۹۸۷)، برنامه‌ی کتیبه‌شناسی مقبره‌ی اولجایتو در سلطانیه، هنر اسلامی ۲.
- ۶- بولاتوف، ام (۱۹۷۶)، مقابر سامانیان، تاشکند.
- ۷- بیوار، ای. دی. ایچ (۱۹۶۶)، زیارتگاه سلجوقی در سرپل افغانستان، بولتن مدرسه‌ی مطالعات شرق‌شناسی و آفریقایی دانشگاه لندن، دوره‌ی اول، شماره ۲۹.
- ۸- خانیکف، نیکلای (۱۸۶۲)، شیوه‌های کتابت مسلمانان قفقاز، آمیر.
- ۹- شیشکین، وی (۱۹۷۰)، کتیبه‌های مجموعه‌ی شاه‌زند، معماری ازبکستان، تاشکند.
- ۱۰- فلوری، اس (۱۹۲۰)، تزیینات سرلوحه در کتابت عربی: آمیدا دیاریکر، آتی، دوره‌ی اول، شماره ۱، سوریه.
- ۱۱- کراچ کوفسکایا، وی (۱۹۴۹)، تحولات خط کوفی در آسیای مرکزی، کتیبه‌شناسی شرق، شماره ۲.
- ۱۲- کمپ، ای؛ سواژ، ژ؛ ویه، گ (۱۹۳۱)، فهرست تاریخی کتیبه‌شناسی عرب، موسسه فرانسیسی باستان‌شناسی شرقی، کایرو.
- ۱۳- گولومبوک، ال؛ ویلبر، دی (۱۹۸۸)، معماری تیموریان در ایران و توران، دانشگاه پرینستون، آمریکا.
- ۱۴- مدرسی طباطبایی، ایچ (۱۹۷۶)، تربت پاکان، انصاریان، قم.
- ۱۵- هنرفر، لام (۱۳۷۲)، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، گل‌ها، اصفهان.



تصویر شماره ۴: کتیبه‌ی پرسپولیس

جابه‌جایی از خط زاویه‌دار به خط منحنی در نگارش کتیبه‌ها در ابنیه را می‌توان پیش از قرن ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی مشاهده کرد. خطوط منحنی را برای نخستین بار در متون یادبود همانند آنچه در نیمه‌ی دوم سده‌ی پنجم هجری قمری / یازدهم میلادی در بنایی در پرسپولیس نبشته شده، می‌توان یافت. برخی نمونه‌های باقی‌مانده‌ی اولیه را می‌توان در محراب‌های گچی افزوده شده به مسجد پامنار در زواره که متعلق به ۴۶۱ هجری قمری / ۱۰۶۸-۶۹ میلادی جستجو کرد (هنرفر، ۱۳۷۲، صص ۱۷۱-۷۵؛ یلر، ۱۹۹۲، شماره ۵). این کتیبه‌ها با خطوط منحنی که شامل نام پشتیبان اثر نیز هستند، درست نقطه‌ی مقابل قاب‌های کتیبه‌ای با متون قرآنی به خط کوفی قرار دارند (تصویر شماره ۴).

پس از قرن ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی نقش دیگری به خط کوفی محول شد و اصولاً به عنوان قاب‌های تکرار شونده و با نقش مایه‌هایی ظاهر شد. "کوفی مستطیل" در دوره‌ی ایلخانان و با الگو قرار دادن مهرهای چینی، به محبوبیت رسید (کراچ کوفسکایا، ۱۹۴۹، صص ۲۳-۲۴). کاربردهای این نوع خط اغلب جهت نگارش عبارت "الملک لله" و یا اسامی افراد قابل احترام بود (هنرفر، ۱۳۷۶، صص ۲۵۶-۶۰). قاب‌های گچی در مقبره‌ی پیر بکران در منطقه‌ی لنجان اصفهان (۷۰۳ تا ۷۱۲ هجری قمری / ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۲ میلادی) عموماً نشانگر اسماء الهی و چهارده معصوم است. آجرهای لعاب‌دار نیز به عنوان بستر برای این نوع خط به کار می‌رفتند. این شیوه اغلب "بنایی" نامیده می‌شد.

مشهورترین خط منحنی جهت کتیبه‌نگاری در قرون بعدی خط ثلث بود. اوایل قرن هشتم هجری قمری / چهاردهم میلادی، اغلب کتیبه‌ای دیگر در بخش‌های فوقانی حروف کتیبه‌ی اول، در هم تنیده می‌شدند. نمونه‌های اولیه‌ی به جا مانده در ایران، کتیبه‌های رنگ آمیزی